

روز جهانی زن بر تمام زنان آزادیخواه و بویزه بر زنان کارگر و
زحمتکش نجسته باد!

"زن انقلابی و مرد انقلابی هنگامی که در سنگر مبارزه قرار می
گیرند انسان هایی هستند که به رستاخیز خود رسیده اند. آنها برای
ایجاد جامعه ای مبارزه می کنند که در آن این مسئله که به زن
چقدر باید آزادی داد - آزادی زن خوب است یا نه - اصولاً مطرح
نیست. بلکه همه انسان ها، زن و مرد یکسان از مزایای زندگی
استفاده می کنند و برای پیشبرد آن در کنار هم تلاش و کار میکنند."
(از کتاب حماسه مقاومت نوشته رفیق اشرف دهقانی)

نشریه سیاسی - خبری چریکهای فدایی خلق ایران ، شماره ۵۲ - ۱۵ اسفند ۱۳۸۵

معلمان به جان آمده در برخی شعارهای خود با اشاره
به شکاف وحشتناک طبقاتی تحت حاکمیت سپاه
جمهوری اسلامی مطرح می کردند که به شاگردان
خود خواهند گفت که از فردا "در دفتر هایشان بنویسند
که یک با یک برابر نیست" که این شعار الهام گرفته از
شعر زیبای شاعر انقلابی خلق، خسرو گلسترخی در
دهه ۵۰ ، با عنوان "یک بایک برابر نیست" می باشد.
رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در جریان این حرکت وسیع
اعتراضی به اعمال فشار و تهدید کردن معلمان پرداخت و
سعی کرد تا تجمع فوق را با دادن برخی وعده های فریبکارانه
از یک سو و با ارسال دستجات حزب الهی و چماق بدست
متفرق سازد. برخی از فعالین این حرکت آرام از سوی
"سربازان گمنام امام زمان"، یعنی ماموران وزارت اطلاعات
دستگیر شدند.



در رویدادی دیگر، صبح روز یکشنبه ۱۲ اسفند ماه جاری
نیز مزدوران سرکوبگر رژیم به تجمع آرام و مسالمت
آمیز گروهی از زنان در مقابل دادگاه انقلاب در تهران
حمله کردند و ضمن ضرب و شتم تجمع کنندگان ۲۶ تن از
آنها را دستگیر و با تهدید و اعمال زور آنها را در مینی بوسهای
از قبل آماده شده انداخته و به بازداشتگاه و سپس به
سیاهچال اوین منتقل نمودند. این وحشیگری آشکار در
شرایطی صورت گرفت که تجمع نامبرده همانطور که تجمع
کنندگان اعلام کرده بودند، به شکلی کاملاً مسالمت آمیز و در
چهارچوبهای "قانونی" حکومت صورت می گرفت. تجمع
کنندگان با در دست داشتن پلاکاردهایی خواهان رفع تضییقات
و فشارهای جاری دستگاه های امنیتی و قضایی حکومت بر
علیه فعالین زنی بودند که برخی از آنها در همان روز با جرایم
واهی توسط مقامات رژیم به دادگاه فراخوانده شده بودند. این
تجمع نه ادعا و نه اهداف و شعارهای "بر انداز" و "خطر ناک"
داشت و خواست اصلی تجمع کنندگان، حمایت از رفقای
دادگاهی شده خود و رعایت "قانون" در مورد آنها بود.

بقیه در صفحه ۲

وسعت یابی جنبشهای

اعتراضی بر علیه رژیم!

رویدادهای یکی دوهفته اخیر نشان از بر آمدن موج جدیدی از
جنبش اعتراضی توده های ستمدیده بر علیه رژیم سرکوبگر و
بحران زده جمهوری اسلامی دارند. تجمع هزاران تن از معلمان
در مقابل مجلس، اعتصاب هزاران کارگر "کشت و صنعت
کارون"، تجمع زنان در مقابل دادگاه انقلاب و ضرب و شتم و
دستگیری ۲۳ تن از فعالین اعتراضی اخیر زنان و صدها حرکت
ریز و درشت جنبشهای دیگر در هفته های اخیر، گوشه ای از
وسعت جنبشهای اعتراضی جاری بر علیه حکومت و اوضاع
بحرانی دیکتاتوری حاکم در جامعه ما را به نمایش می گذارد.

روز ۱۵ اسفند ماه جاری هزاران تن از معلمان و فرهنگیان
زحمتکش پس از مدتها تلاش برای کسب حقوق ابتدایی
خوبش از مراجع قانونی، برای چندمین بار طرف ماه های اخیر
باز هم به صورتی مسالمت آمیز در جلوی مجلس رژیم تجمع
کرده و با برشمردن اوضاع اسفبار حیات و معاش خود خواهان
رسیدگی دولت به اوضاع دهشتناک زندگی خود شدند. برخی
از گزارشات منتشره حاکی از شرکت حدود ده هزار تن از
معلمان در این حرکت اعتراضی است که این رقم با توجه به
شدت خفقان موجود در جامعه و تهدیدهای مکرر مقامات
حکومتی بر علیه تجمع معلمان ، نشان از شدت فشار و بی
حقوقی ای می کند که معلمان محروم در چارچوب دیکتاتوری
حاکم با آن مواجهند.

در صفحات دیگر

- گوشه ای از واقعیات "کردستان عراق" ۲
- تجاوز و قتل. پاسخ سرمایه داران...! ۲
- اخراج هزاران کارگر توسط "ایرباس" ۲
- نظام امپریالیستی و تشدید بحران ۴
- یاد یاران یاد باد! ۴



تحت چنین اوضاعی ست که ماشاهدیم در ماه های اخیر چگونه سردمداران حکومت با تشدید اعمال فشار بر علیه کارگران، زنان، دانشجویان و تمامی توده های ستمدیده و ناراضی ، بر ابعاد دستگیری فعالین این جنبشها افزوده و با تصویب روزمره قوانین سرکوبگرانه و تهدید و اعمال زور دیکتاتوری کوشیده اند تا فضای رعب و وحشت را هر چه بیشتر در جامعه حکم فرما سازد.

تامل در رویدادهای جاری و بویژه تشدید سرکوب و وحشیگری های جمهوری اسلامی بر علیه کارگران و توده های بجان آمده ای که چیزی جز حداقل حقوق انسانی و عادلانه خود را نمی خواهند بار دیگر بر این تجربه مبارزاتی تاکید می ورزد که در شرایط جامعه تحت سلطه ما دیکتاتوری روینای ذاتی نظام ضد خلقی حاکم یعنی بورژوازی وابسته به امپریالیسم است و به همین دلیل مبارزات دلاورانه جاری برای نیل به خواسته های عادلانه مردم ما، باید در یک مسیر واحد کانالیزه گشته و ساختارهای این نظام را آماج ضربات مرگبار خود قرار دهد.

در این حال در روزهای اخیر هزاران تن از کارگران زحمتکش "کشت و صنعت کارون شوشتر" نیز در اعتراض به ماه ها عدم دریافت حقوق و شرایط وحشیانه ای که سرمایه داران زالو صفت وابسته و رژیم جمهوری اسلامی برای استثمار آنها فراهم کرده اند، دست به اعتصاب زدند. آنها در شرایط فقر و گرسنگی و گرانی موجود مدت حد اقل ۲ ماه است که حقوقهای معوقه خود را نیز دریافت نکرده اند.

البته رویدادهای فوق تنها شمایی از برجسته ترین حرکات اعتراضی در هفته های اخیر را به نمایش می گذارند و گر نه، به جرات می توان گفت که تعداد اعتراضات ضد حکومتی ای که در ماه های اخیر به طور متناوب در کارخانه ها و دانشگاه ها و روستاها و شهر ها و خلاصه در هر گوشه و کنار کشور به طور روزمره اتفاق افتاده است بطور قابل ملاحظه ای در حال رشد و گسترش است و این واقعیت بطور طبیعی نشانگر جدیت اوضاع بحرانی ای است که جمهوری اسلامی با آن روبرو می باشد. از سوی دیگر در واکنش به این اوضاع، رژیم جمهوری اسلامی دقیقا به خاطر ماهیت وابسته به امپریالیسم خود و ساختارهای نظام ضد خلقی حاکم یعنی بورژوازی وابسته، نظامی که اساس آن بر پایه غارت و استثمار کارگران و خلقهای تحت ستم به نفع مشتئی سرمایه دار زالو صفت بنا شده، چاره ای جز برخورد قهر آمیز و اعمال زور آشکار و پراکندن هر چه بیشتر سایه سیاه خفقان و سرکوب در سطح جامعه نداشته و ندارد. درست به همین دلیل است که ماشاهدیم این رژیم در حالی که با بحران اقتصادی رشد یابنده در سطح جامعه و تبعات آن نظیر گسترش بی سابقه فقر و گرانی و بیکاری و فحشاء و دزدی و... روبروست، ناتوان از حل کوچکترین معضلات اقتصادی اجتماعی توده ها، بطور فزاینده ای شمشیر را از رو می بندد و به سرکوب وحشیانه اعتراضات عادلانه توده ای بر علیه وضع نکبت بار موجود دست می یازد. علاوه بر این سردمداران مزدور این حکومت در حالیکه این روزها بشدت در هراس از تبعات داخلی و خارجی " پرورنده هسته ای" شان در بارگاه قدرتهای جهانی به سر می برند، می کوشند تا هراس خود را با تشدید هیستریک سرکوب و فشار بر توده های عاصی و بجان آمده جبران کنند.

گوشه ای از واقعیات جاری در "کردستان"

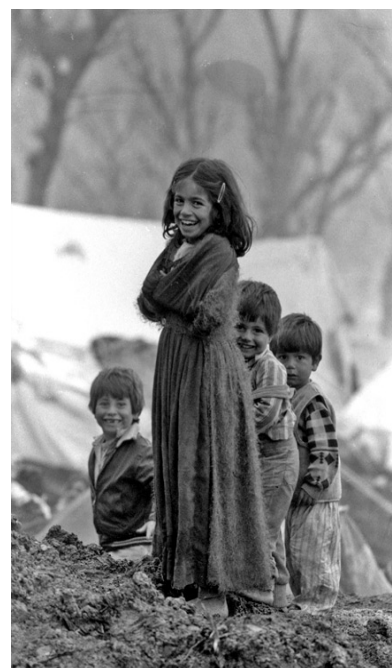
بسیاری از مردم به طور محسوسی نزول کرده است ، در حالی که فاصله مابین ثروتمند و فقیر همچنان رشد میکند .

این نشریه به نقل از آرمان می نویسد: " در واقع برای بهداشت و آموزش هیچگونه بودجه ای صرف نمیشود ، بحران مسکن وجود داشته و ۵۰% مردم بیکارند، ایالات متحده در تدارک استفاده از کردستان بعنوان پایگاه برای حمله به ایران است " در ادامه این مطلب آمده است که منطقه کردستان عراق توسط دو گروه نظامی حمایت شده از طرف ایالات متحده ، کنترل میشود ، اعتراضات متعددی بر علیه فساد دولت منطقه ای کردستان انجام گرفته که برخی از آنها بشدت سرکوب شده است . آرمان گفت که نظر مردم کردستان در مورد اشغال عراق توسط ایالات متحده تغییر کرده است ، قبلاً اکثر کردها از آمریکا حمایت می کردند ، ولی حالا کمتر از نصف مردم همچنان از حضور نیروهای اشغالگر حمایت می کنند.

این نشریه در ادامه مطلب خود می نویسد "آرمان در بحث خود گفت که حضور نیروهای اشغالگر، اصلی ترین دلیل آشوب در عراق است و ترک عراق توسط نیروهای آمریکا تنها راه حل بحران عراق می باشد." به گزارش "گرین لفت" از جلسه سخنرانی

هفته نامه "گرین لفت" چاپ استرالیا در مطلبی که در تاریخ ۲۲ فوریه ۲۰۰۷ راجع به مشاهدات یک کرد عراقی چاپ کرده است شمه ای از اوضاع طاقت فرسای زندگی توده ها تحت حاکمیت حکومت به اصطلاح خود مختار کردستان را از نظر او تشریح کرده است. این هفته نامه با اشاره به آزاد آرمان "شاهد عینی" می نویسد:

آزاد آرمان یک سوسیالیست از منطقه کردستان شمال عراق است که در سال ۱۹۹۱ از وطن خود گریخته و حالا در استرالیا زندگی می کند. او می گوید که امروز زندگی در کردستان رقت انگیز است . نشریه مزبور ادامه می دهد: آرمان که بنا زگی بعد از ۶ ماه از شمال عراق برگشته، در تاریخ ۱۴ فوریه در یک جلسه عمومی در رابطه با مشاهدات خود از کردستان صحبت کرد. او گفت که سطح زندگی برای



تجاوز و قتل پاسخ سرمایه داران هند به کشاورزان!

گروه کوچکی از روستائیان که برای تحقیق در مورد آتش رفتند، با جسد سوخته تاپوسی در میان شعله ها روبرو شدند. افراد ناشناسی پس از تجاوز به "تاپوسی" او را دار زده و جسدش را به آتش کشیده بودند. مادر "تاپوسی" از آن روز تاکنون، هنوز در حال شوک به سر برده و روی تشک حصیری ای در حیاط خانه نشسته و چشم به در دوخته است. این البته اولین جنایت سرمایه داران هند بر علیه توده های زحمتکش این منطقه نیست، اما خود به اندازه کافی گویای ماهیت ضد مردمی آنها می باشد.

دولت هند در سالهای اخیر مرتباً سوبسیدها و وام های کشاورزی دهقانان را کاهش داده و عملاً جانب سرمایه داران را (که اکثر آنان دارای مقامات دولتی نیز هستند) گرفته است. هر ساله هزاران کشاورز مجبور به ترک روستاها و گدایی در خیابانهای شهرها می شوند. سرمایه داران زالو صفت و دولت مدافع آنها دست در دست هم داده و هر ساله با غارت دهقانان هزاران کشاورز فقیر را از روستاها رانده و محکوم به گرسنگی و مرگ می کنند تا امر افزایش روزافزون سود سرمایه های خویش را تضمین سازند. این تنها یک نمونه از بی شمار جنایاتی است که سرمایه داران برای حفظ منافع مالی خود در سرتاسر دنیا مرتکب می شوند. اگرچه سیستم سرمایه داری در لفافه های عقیدتی مختلفی در کشورهای مختلف جهان ظاهر می شود، برای نمونه دمکراسی در غرب و مذهب در برخی از کشورهای خاورمیانه و ...، اما در پس تمام این پوشش های ایدئولوژیک، سیستمی جنایتکار نهفته است که به قیمت نابودی رنجبران و به قیمت سلب حق زیست انسانی از اکثر مردم جهان، حافظ منافع اقلیت سرمایه دار است. تجربه نشان داده که تنها با شورش و انقلاب زحمتکشان علیه این سیستم استثمار گرانه و برپایی یک نظام مردمی و دمکراتیک مبتنی بر منافع اکثریت جامعه است که بشریت می تواند نجات یابد.

مدتی است که شورشهای دهقانی بر علیه مناسبات ظالمانه حاکم بر روستا های هند و در اعتراض به تداوم حمایت دولت مرکزی این کشور از مناسبات غیر انسانی حاکم و به خصوص حمایت دولت از سرمایه دارانی که به اشغال زمینهای کشاورزی پرداخته اند، رو به رشد گذارده است. به عنوان مثال در ماه گذشته در منطقه "ناندیگرام" تظاهرات توده ای بزرگی بر علیه دولت ضد خلقی هند صورت گرفت که با حمله پلیس روبرو شده و منجر به کشته شدن ۶ کشاورز شد. اما کشاورزان فقیر مناطق مختلف هند که دیگر چیزی برای از دست دادن ندارند، همچنان به مبارزه ادامه می دهند. یکی از روستا هایی که اهالی آن در تقابل با دست اندازی سرمایه داران به زمینهایشان به شورش برخاسته اند روستای سینگور می باشد که در ۴۰ کیلومتری شمال کلکته قرار گرفته است. بعد از اینکه دولت علیرغم مخالفتهای روستائیان بیش از ۴۰۰ هکتار زمین این روستا را به تملک "گروه صنعتی تاتا" درآورد، اعتراضات و تظاهرات شورشهای دهقانی در "سینگور" اوج تازه ای گرفت. اتومبیل سازی "تاتا" بخشی از "گروه صنعتی تاتا" است که وزیرایی مثل "بهاتاچارجی" از سهامداران عمده آن هستند. این کمپانی همچون بسیاری از کمپانی های دیگر، در مناطق کشاورزی به ایجاد کارخانه و نابودی زمینهای کشاورزی کوچک پرداخته اند. اما اکنون بدلیل مبارزات توده ها، این گروه که یکی از بزرگترین کمپانی های صنعتی هند است، در روستای "سینگور" که شاهد رشد و گسترش یکی از قویترین شورشهای دهقانی است، با مشکلات بزرگی روبرو شده است.

یکی از روستائیان روستای سینگور به خبرنگار روزنامه "گلوب اند میل - کانادا" در باره وضعیت دهشتناک حاکم بر روستایشان گفت "بچه هایمان را می کشند که ما را بترسانند. اما اگر ما دهقانان فقیر مبارزه هم نکنیم بچه هایمان از گرسنگی خواهند مرد. بنابراین چاره ای جز مبارزه نداریم. زمینداران بزرگتر که توانسته اند با فروش زمینهایشان (به قیمت ۲۵ درصد بیش از ارزش واقعی آنها) صاحب پولهای کلانی شوند، در کنار سرمایه داران صنعتی و در مقابل ما کشاورزان فقیر قرار گرفته اند. اگر برخی از ما، که کشاورزان فقیر محسوب می شویم، تکه زمینی هم داشته باشیم آنقدر کوچک و کم قیمت است که با فروش آن پولی در دستمان نمی ماند که در جای دیگری سرمایه گذاری کنیم. ولی اکثر ما صاحب زمین نیستیم و روی زمینهای کوچک اجاره ای (که زمینداران بزرگ صاحبانشان هستند) کار می کنیم.... این کشاورز در رابطه با تصاحب بخشی از زمینهای روستا بوسیله کارخانه اتومبیل سازی هند به خبرنگار مزبور می گوید: "ما کشاورز هستیم و نمی خواهیم به گدایی کشیده شویم. به این دلیل است که علیه ایجاد کارخانه و نابود کردن کشاورزی محل اعتراض می کنیم. سرمایه دارها "تاپوسی" را کشتند که ما را بترسانند و جلوی اعتراض ما را بگیرند" تاپوسی" دختر یکی از سازماندهندگان این اعتراض می باشد. "منورانجان" پدر "تاپوسی" که کشاورز است و زندگی خانواده اش را از راه کشت و کار روی یک قطعه زمین کوچک اجاره ای می گذرانند، یکی از روستائیان است که مدتها است که با سرمایه دارانی که در حال ساخت یک کارخانه اتومبیل سازی در آن منطقه هستند درافتاده است. دولت و چندین تن از وزرای کابینه حامی سرمایه داران و صاحبان کارخانه اتومبیل سازی هستند. مردم محل می گویند که قتل "تاپوسی" به دستور سرمایه داران و دولت، برای ترساندن کشاورزان معترض انجام شده است.

در اواسط دسامبر ۲۰۰۵ وقتیکه "تاپوسی ملک" دختر ۱۸ ساله "منورانجان"، مثل هر روز پیش از طلوع آفتاب برای جمع آوری هیزم به بیشه های اطراف روستا رفت دیگر به خانه باز نگشت. دو ساعت بعد یکی از افراد فامیل متوجه شعله های آتش و دود در بیشه نزدیک به روستا شد.

اخراج هزاران کارگر توسط "ایرباس"

شرکت هواپیمایی ایرباس در یک اقدام ضد کارگری در صد اخراج ۱۰۰۰۰ تن از کارگران خود در کشورهای فرانسه، آلمان، انگلیس و اسپانیا طرف مدت ۴ سال آینده است. این تصمیم در حالی اتخاذ شده است که شرکت مزبور یکی از دو غول بزرگ انحصاراتی سرمایه داری در صنعت هواپیمایی در سطح جهانی ست و از بابت استثمار کارگران خویش سالانه میلیاردها دلار سود به جیب می زند. ایرباس تولید کننده انواع هواپیماهای غول پیکر مسافری است و بیش از ۵۵ هزار کارگر دارد که اکثراً در کشورهای اروپایی برای آن کار می کنند.

سهامداران اصلی ایرباس دولتهای آلمان و فرانسه می باشند که در مجموع، تقریباً نیمی از سهام ایرباس را کنترل

می کند. در نتیجه برنامه گسترده اخراج سازی ایرباس، ۲۳۰۰ کارگر این کمپانی در فرانسه، سه هزار و هفتصد کارگر و کارمند در آلمان، هزار و ششصد نفر در انگلیس و چهارصد نفر در اسپانیا بیکار خواهند شد. نکته قابل توجه در این اقدام، عبارت از این است که صاحبان شرکت ایرباس، با اخراج ۱۰۰۰۰ کارگر در حقیقت مشغول "صرفه جویی" برای جبران هزینه های ناشی از تأخیر در تحویل هواپیماهای A-380 خود به بازاری باشند. گردانندگان این کمپانی امپریالیستی اعلام کرده اند که هدف از این اخراج سازی گسترده، ایجاد "فرصت رقابت بهتر" با رقبا (بوئینگ کارخانه بوئینگ) آمریکا، بوئینگ با در نظر گرفتن کاهش ارزش دلار می باشد. اخراج ۱۰۰۰۰ کارگر و کارمند ایرباس نمونه دیگری از هجوم جدید شرکتها و دولتهای امپریالیستی به کار و معاش کارگران و زحمتکشان می باشد که طی آن می کوشند تا با تشدید استثمار و با قربانی کردن کارگران، سودهای هر چه بیشتری را نصیب سرمایه داران زالو صفت و دولتهای حامی آنان سازند. اتحادیه های کارگری ضمن



نظام امپریالیستی و تشدید بحران

روند سقوط شدید و رکود در بازارهای عمده سهام در سطح جهانی در هفته های اخیر، جلوه جدیدی از تداوم و رشد بحران اقتصادی مرگبار گریبانگیر نظام سرمایه داری در سطح جهان را به نمایش گذارد. کاهش رشد اقتصادی و عدم بر آورده شدن پیش بینی های کارشناسان اقتصادی در مورد "رشد اقتصادی" در آمریکا و سایر کشورهای باصطلاح پیشرفته سرمایه داری، وضع مالیاتهای جدید در چین، تداوم اخراج سازیهای گسترده، رشد تورم و بیکاری در کشورهای صنعتی و ... باعث شد که در اواخر فوریه امسال بازار های سهام در سطح جهانی بشدت سقوط کرده و در عرض چند روز حد اقل ۱۰۸ میلیارد دلار از ارزش آنها کاسته شود. به گزارش خبرگزاری آلمان که از این سقوط به عنوان "سه شنبه سیاه" (نامی که تداعی کننده بحران اقتصادی مرگبار سالهای دهه ۲۰ در آمریکا و اروپا است) نام برد و اضافه کرد: سقوط غیر منتظره و ناگهانی بورس اوراق بهادار چین بر تمام بورس های مهم جهان اثر گذاشت." مطابق گزارشات منتشره

بحران اخیر باعث شد که بازار سهام انگلیس نیز ۸۰ میلیارد پوند ارزش خود را ظرف مدت چند روز از دست بدهد و شاخص بازار سهام در نیویورک نیز ۴ درصد سقوط کند. در همین حال انتشار آمار مربوط به وضعیت اقتصادی آمریکا در ۳ ماهه آخر سال ۲۰۰۶ نیز نشان داد که اقتصاد آمریکا برغم تمامی تلاشهای دولت بوش، از رشد بیش بینی شده برخوردار نبوده است.

واقعیت این است که نظام استثمارگرانه سرمایه داری برغم تمامی موعظه های استراتژیست ها و مدافعین این نظام ضد خلقی مبنی بر "رشد اقتصادی" و "رفاه و پیشرفت و آزادی و دموکراسی" در زیر سایه این نظام، در سطح جهان با یک بحران عمیق اقتصادی و ساختاری روبروست که تجلیات مرگبار آن نظیر ورشکستگی روز مره بزرگترین موسسات و کارخانه ها، فقر و گرانی و بیکاری روزافزون، شکاف فزاینده طبقاتی و ... هر روز بیش از قبل بر دوش میلیاردها تن از کارگران و زحمتکشان و خلقهای تحت ستم در سطح بین المللی سنگینی می کند. از سوی دیگر، چنین واقعیتی، گردانندگان این نظام بیمار و فرتوت را وادار می دارد که برای مهار و غلبه بر این

بحران - که تجربه ثابت کرده ذاتی نظام سرمایه داری است- نه تنها بر شدت استثمار و غارت کارگران و طبقات فرودست بطور روزافزون بیفزایند، بلکه به جنگ افروزی های هولناک و لشکر کشی های نظامی به منظور حفظ منافع خویش دست بیازند و برای طولانی تر کردن عمر این نظام اهریمنی به هر جنایتی مبادرت نمایند. حقیقتی که جدیدترین تجلیات ضد خلقی آن را می توان بروشنی در عراق و افغانستان مشاهده کرد و دید که چگونه امپریالیستها می کوشند با مکیدن شیره جان توده ها و سلاخی آنها تا آنجا که می توانند منافع اقتصادی و بازارهای خود را به ضرر رقبای امپریالیست دیگر حفظ و دامنه آن را توسعه بخشند. گسترش واقعیات دهشتناک کنونی و فجایعی که بطور روزمره توسط نظام استثمارگرانه امپریالیستی در سطح جهانی آفریده می شود، چهره واقعی این نظام ضد خلقی را - بر خلاف ادعاهای دروغین مدافعان فریبکار آن- هر چه بیشتر به نمایش گذارده و بی آیندگی و بن بست آن را به روشنی در مقابل دید همگان قرار می دهد و ضرورت انقلاب برای درهم شکستن اس و اساس مناسبات استثمارگرانه کنونی را با فاکتورهای عینی تر و برجسته تر منعکس می سازد.

یاد یاران یاد باد!

به خاطر فراموش نشدنی رفقا: جواد، کاظم و حسین سلاحی که در مبارزه بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم شاه، در صفوف سازمان چریکهای فدائی خلق ایران جان خود را برای تحقق آزادی و سوسیالیسم فدا کردند، و به منظور تجلیل از ایستادگی ها و فداکاری های مادر مبارز این رزمندگان، مادر سلاحی پای خاطرات او می نشینیم! این مراسم در روز ۲۱ اپریل ۲۰۰۷ در شهر استکهلم سوئد برگزار خواهد شد.

از تمامی افراد و نیروهایی که گرامی داشت یاد جانباختگان راه آزادی را وظیفه ای برای خود می دانند برای شرکت در این مراسم دعوت کرده و خواستاریم که اگر عکس و یا خاطره ای از این رفقا در اختیار دارند، یا پیشنهادی برای هر چه با شکوه تر برگزار شدن این مراسم داشته و یا به گونه دیگری می توانند با ما در این راه همکاری کنند، با ما به آدرس زیر تماس بگیرند.

pouyan_ahmadzadeh@yahoo.se

جزئیات بیشتر را در اطلاعیه های بعدی به اطلاع عموم خواهیم رساند.

جاودان باد خاطره تمامی شهدای به خون خفته خلق!
پیروز باد انقلاب! زنده باد کمونیسم!
نابود باد رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!

با ایمان به پیروزی راه چریکهای فدائی خلق ایران
سازمان هواداران چریکهای فدائی خلق ایران در سوئد

۲۸ فوریه ۲۰۰۷

"پیام فدایی"

بر روی شبکه اینترنت

از صفحه چریکهای فدایی خلق ایران

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.fadaee.org/>

از صفحه اشرف دهقانی

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.ashrafdehghani.com/>

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051
London
WC1N 3XX
England

شماره تلفن

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

0044 - 7946494034

آدرس پست الکترونیک

e-mail : ipfg@hotmail.com

